

منابع درآمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

دکتر اکبری

استاد یارگروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران

Email: amir akbari84@yahoo.com

دکتر رجبعلی وثوقی مطلق

استاد یار گروه تاریخ بجنورد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران

Email: R'a.vos0ughi@chmail.ir

ام البنین رحیمی

دانشجوی دوره دکتری تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران

Email: Omra20161169@gmail.com

چکیده

منابع درآمد و محل هزینه های دولت ها از مهمترین مسائل آنها می باشد، زیرا توانمندی و اوضاع مناسب مالی یک دولت، تاثیر مستقیمی بر توانمندی و قدرت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و رفاه عمومی کشور دارد. دوره قاجار در بیشتر زمینه ها از جمله در موضوع مسائل مالی و اقتصادی جزو قابل بحث ترین و مهمترین دوره های تاریخی ایران است. یکی از مهمترین چالش های شاهان قاجار از جمله مظفرالدین شاه، منابع درآمد و هزینه کردن این منابع در راستای تصمیماتشان بود. این چالش در کنار برخی از اشتباهات این دوره باعث بروز مشکلات عدیده ای برای کشور و دولت شد.

این تحقیق که مانند بیشتر تحقیقات تاریخی به شیوه اسنادی نوشته شده است؛ در پی پاسخ به این پرسش است که مهمترین محل درآمدهای دولت قاجار در زمان مظفرالدین شاه چه بوده است؟ یافته ها نشان می دهد که محل و منابع درآمدی دولت در این دوره نیز در برخی بخش ها با بیشتر دولت ها یکی بوده است. با این همه، نیاز حکومت مظفرالدین شاه به منابع بیشتر مالی، باعث افزایش بهره گیری از این منابع و یا ایجاد منابع مالی جدید از طریق واگذاری و فروش امتیازات و غیره شد.

واژگان کلیدی: مظفرالدین شاه، منابع درآمد، مالیات، عواید ثابت، سیورسات، درآمد غیرثابت

یکی از مهمترین دغدغه‌ها و مسائل هر دولت، میزان و نحوه کسب درآمدهایی است که برای اداره امور حکومت و کشور لازم و ضروری می‌باشد. هر چه، مبلغ این درآمدها و منابع آن بیشتر باشد، توان دولت برای قدرت داخلی و خارجی بیشتر می‌شود. با کاهش میزان عواید دولت نیز، توان حکومت، جهت اداره امور، مقابله با بی‌نظمی‌ها و تهاجمات، پاسخگویی به مطالبات و غیره پایین می‌آید و این مسئله، تبعات و آثار عدیده نامناسبی را برای دولت به دنبال دارد.

در دوره قاجار و به خصوص مظفرالدین شاه (حک ۱۲۸۵-۱۲۷۵ق)، یکی از مشکلات اصلی دولت، منابع درآمد و البته هزینه‌های شاه و دولت بود. در این دوره، دولت از نظر مسائل مالی، شرایط نابسامانی را پشت سر گذاشت. مسائلی از قبیل اسراف بیش از حد شاه و حرمسرای او، سفرهای غیر ضروری داخلی و خارجی شاه، سوء استفاده درآمدها و حقوق گمرکی و مالیات‌ها و فروش مناصب دولتی، عدم حضور مدیران و مردان با کفایت و دلسوز در عرصه‌ی اداری و حکومتی ایران، در کنار اوضاع نابسامان عموم مردم، وضعیت نامطلوب بخش کشاورزی و وضعیت بسیار آشفته‌ی بخش کارگاهی و صنایع بومی و شیوه تولید شهری که نتیجه‌ی بلافصل و پیامد برنامه‌ها و اقدامات نادرست اقتصادی و سیاسی دولت بود دوره مظفرالدین شاه را به لحاظ اقتصادی به یکی از بدترین دوره‌های قاجاریه تبدیل نمود. (لمتبون، ۱۳۷۵: ص ۳۸۰-۳۷۳؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۵۳۰؛ امین الدوله، ۱۳۴۱: ص ۲۰۶ و ۹۰؛ مافی، ۱۳۶۱: ص ۲۵۹)

این دوره در زمینه سیاست و روابط خارجی، دوره‌ای از واگذاری امتیازها و دریافت وام‌ها و قرضه‌هایی با بهره و بازپرداخت‌های سنگین است. این مسائل در کنار تفوق تجاری و بازرگانی کشورهای چون روسیه و انگلیس در مناسبات اقتصادی و سیاسی با ایران و عدم تعادل در این زمینه به بدتر شدن اوضاع و شرایط مالی و نابسامانی‌های اقتصادی دامن زد. تا حدی که فوران معتقد است ایران در این دوره به الگوی «استعمار کلاسیک» نزدیک شد. (فوران، ۱۳۸۰: ص ۱۸۰)

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

علاوه بر بی کفایتی مظفرالدین شاه و بسیاری از درباریان و دولتمداران، دولت قاجار در دهه ۱۸۹۰م به یک بحران مالی مزمز دچار شد. یعنی با ۳۰۰ هزار تومان، کسری بودجه روبرو و این مسئله نیز به بدتر شدن اوضاع منجر شد. در ۱۵ ساله قبل از شروع انقلاب مشروطیت، این کسری به ۱۰ برابر رسید. یعنی ایران، تقریباً با ۳ میلیون تومان، کسری بودجه دست به گریبان بود و هیچ برنامه و تمهید مشخصی برای بهبود اقتصادی و مالی کشور نداشت. (هاردینگ، ۱۳۶۳: ص ۲۲-۲۰؛ سایکس، ۱۳۲۰: ج ۲/ ص ۵۳۷ و ۵۵۰) در چنین شرایطی، محل و منابع درآمدی دولت، اهمیت زیادی برای اقتصاد نابسامان و درهم ریخته قاجاریه در دوره مظفرالدین شاه داشت. البته در کنار منابع درآمدی، چگونگی و مدیریت مخارج نیز مهم بود که دولت قاجار، فاقد مدیریت درست مخارج نیز بود.

طبقه بندی عواید و درآمدهای ایران در دوره مظفرالدین شاه

منابع درآمد دولت قاجاریه در عصر مظفرالدین شاه، مانند بیشتر دوره های تاریخی ایران به دو بخش منابع درآمد مربوط به شاه و منابع درآمد مخصوص دولت تقسیم می شد. گرچه در عمل، بین منابع درآمد شاه و منابع درآمد دولت در این دوره نیز چون دیگر دوره ها، تفاوت و مرزبندی خاصی وجود نداشت و شاه می توانست در هر دو منبع درآمد، دخل و تصرف نماید؛ یا آن را موافق میل و نیازهای خود به مصرف رساند. عواید و درآمدهای ایران در دوره مورد بحث را می توان در دو گروه الف- مالیات یا عواید ثابت و ب- سیورسات یا درآمد غیرثابت تقسیم کرد. (مدنی، ۱۳۶۹: ج ۲/ ص ۸۷؛ تاجبخش، ۱۳۸۲: ص ۸۰۷ و ۸۱۰؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۱؛ ص ۵۶۰ و ۵۲۱ و ۵۲۰).

از این میان، درآمد املاک خالصه، گمرکات، هدایا و پیشکش ها و رشوه ها، مربوط به منابع درآمد مخصوص شاه و مالیات ارضی، عایدات املاک دولتی (عامه)، مالیات احشام، مالیات مراتع، مالیات پیشه وران و دکانداران و مالیات بر قنوات، چاههای آب و آسیاب ها در کنار عوایدی که از طریق عقد قراردادها حاصل می شد، مربوط به درآمدهای دولت محسوب می گردید. (جمال زاده، ۱۳۶۲: ص ۱۳۹ و ۱۳۸؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۵۲۷ و ۵۲۶)

۱. مالیات‌ها یا درآمد ثابت

مالیات‌ها یا درآمدهای ثابت دولت در این دوره، شامل مالیات زمین، مالیات احشام، مالیات بر پیشه‌وران و کسب‌کار و مالیات بر مستغلات، قنوت، چاههای آب و آسیاب‌ها می‌شد و بر حسب اوضاع متفاوت حوزه‌ها و نواحی و اهالی و نوع اشتغال مردم، نوع و میزان آن تغییرپذیر بود. (شمیم، ۱۳۷۹: ص ۳۵۷ و ۳۵۶؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۲۱-۱۱۹) به عنوان نمونه در برخی نواحی به جای مالیات سرانه که در برخی نقاط و بخصوص در روستاها از مردم گرفته می‌شد، نوعی مالیات به نام «ذر» که به هر خانوار تعلق می‌گرفت، معمول بود. (تاج‌بخش، ۱۳۸۲: ص ۸۰۷)

۱۰۱. مالیات زمین (ارضی)

نظام اقتصادی دوره قاجاریه بر اساس زمینداری بزرگ بنا شده بود. مالیات ارضی، همواره در طول تاریخ، منبع اصلی و عمده درآمد دولت در ایران بوده است. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۲۰؛ مهدوی، ۱۳۷۹: ص ۳۴) در این عصر، زمینداری عموماً به دو مرحله تقسیم می‌شود. مرحله اول از زمان آغا محمدخان (حک ۱۲۱۱-۱۱۹۵ق) تا انقلاب مشروطیت (مرداد ۱۲۸۵ش) ادامه داشت. مالکیت ارضی در این دوره بیشتر، شامل زمینداری بزرگ، املاک خالصه و موقوفات بود. در مرحله دوم، یعنی وقوع انقلاب مشروطه، تغییراتی در انواع شیوه‌های زمینداری در راستای بهبود اقتصادی کشور صورت گرفت. (تاج‌بخش، ۱۳۸۲: ص ۴۰۳) مالکیت ارضی در این دوره نیز مشابه اعصار دیگر تاریخ ایران، شامل املاک شاهی (خالصه، خاصی یا دیوانی)، املاک دولتی، املاک تیول (اقطاع)، املاک وقفی و املاک خصوصی یا اربابی می‌شد. (قدیانی، ۱۳۸۴: ص ۲۰۳ و ۲۰۲؛ سلیم، ۱۳۸۳: ص ۲۴۶-۲۴۴؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ص ۵۳؛ دالمانی، بی تا، ج ۲/ ص ۷۴-۷۷)

۱۰۱۰۱. املاک خالصه

یکی از انواع املاک در این دوره، املاک شاهی (سلطنتی) بود. املاک خالصه، از راه غلبه، غضب، مصادره املاک، بابت مالیات‌های معوق یا شورش و نیز عوامل دیگر، مثلاً املاک بی وارث به دست می‌آمد. (لمتبون، ۱۳۷۵: ص ۹۴؛ دالمانی، بی تا، ج ۲/ ص ۵۰ و ۴۸؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۳۸؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ص ۵۸۳ و ۵۸۲). در دوره مظفرالدین‌شاه، اعلام خالصه بودن

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

انواع اراضی، سبب هرج و مرج در نظام مالکیت و زراعت شد. بعلاوه، مصادره زمین خوانین سرکش و اختصاص اراضی قرق شده به شکارگاه سلطنتی، تملک مراتع حاصلخیز برای چرای اسب ها و چهارپایان دیوانی، تبدیل اراضی اربابی و غیره به زمین های دیوانی و خالصه موجب شد تا دولت قاجار به عنوان بزرگترین مالک اراضی کشور درآمد و گاه با بخشیدن این زمین ها و یا فروش آنها، اساس مالکیت اراضی را متزلزل سازد. (سلیم، ۱۳۸۳: ص ۲۴۷؛ عین السلطنه، ۱۳۷۶: ج ۲/ ص ۱۱۲۸، ۱۵۳۲، ۱۶۲۳ و ۱۶۲۴)

املاک خالصه به عنوان یکی از مهمترین منابع درآمد شاه به شیوه های مختلفی به عنوان منبع عایدی قرار می گرفت. علاوه بر فروش این زمین ها و املاک، املاک خالصه یا مستقیماً طبق پیمان مزارعه اداره می شد، یا آن را به اجاره می دادند و یا عواید آن را به مقاطعه می گذاشتند. سپس مستأجر یا مقطع بازار پیمان مزارعه می بست. میزان مالیاتی که دارندگان املاک خالصه می پرداختند، در مناطق مختلف و ادوار گوناگون این دوره متفاوت بود. (لمتبون، ۱۳۷۵: ص ۹۵؛ دالمانی، بی تا، ج ۲/ ص ۴۸؛ وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲: ص ۶۳۵) چنانچه، املاک خالصه را به اجاره می دادند یا طبق پیمان مقاطعه به مقاطعه می گذاشتند و یا در حکم تیول واگذار می کردند، مستأجر یا تیولدار موظف به پرداخت مالیات به حکومت بود. مگر اینکه به هر دلیلی از معافیت مالیاتی برخوردار بود. به نظر می رسد، گاهی املاک خالصه از املاک مجاورشان که جزو اراضی خالصه نبودند مالیات کمتری می پرداختند. در حالی که چنین می نماید که املاک خالصه ای که به فروش رفته بودند، گاهی از اراضی مجاور که از ابتدا جزو املاک خصوصی بوده اند، مالیات بیشتری پرداخت می کردند. برای نمونه، دهات ماکو که از طریق ارث به رئیس آنجا رسیده بود، در اوایل قرن بیستم، مالیاتی در حدود ۲۰٪ محصول پنبه و گندم می پرداختند. (لمتبون ۱۳۷۵: ص ۹۶ و ۹۷؛ دالمانی، بی تا: ج ۲/ ص ۴۸؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ص ۵۶۵)

نکته ای که در واگذاری املاک خالصه به صورت اجاره یا مقاطعه وجود دارد اینکه، عموماً شاه در این واگذاری ها مالک غایب محسوب می شد و از سوی دیگر، درآمد خزانه شاهی از این منبع، درآمد قابل ملاحظه ای بود. به طور مثال، مظفرالدین شاه، قصبه «سیاه دهن» را که در غرب قزوین قرار داشت و دارای ۲۰۰۰ خانه، ۱ مسجد، ۸ حمام، ۴ کاروانسرا، ۸ باب مغازه و سالیانه ۲۰۰۰ تومان نقد، ۱۰۰۰ خروار غله و ۴۵۶ من کاه مالیات داشت برای مصارف آبدارخانه شاهی به امین حضرت، آبدارچی باشی واگذار کرده بود. (جمال زاده، ۱۳۶۲: ۱۳۸) عایدات دولت ایران در

سال ۱۳۳۰ ق/۱۹۱۲م از خالصجات (به استثنای حوزه تهران) در حدود ۶۳۲ هزار تومان بوده است. لازم به ذکر است پس از مشروطه و در مجلس اول و دوم، تغییرات جزئی در خصوص املاک خالصه داده شد. به این ترتیب که با تصویب خزانه داری کل قرار شد که خالصجات اطراف تهران به طور مزایده به اجاره داده شود. (همان، ص ۱۳۹)

۱۰۱۰ اراضی دولتی

این اراضی، شامل زمین هایی می شد که در اختیار دولت و تشکیلات حکومتی قرار داشت و درآمد آن به مصرف اداره امور لشکری و کشوری و مصارف مربوط به هزینه های دولت می رسید و البته در عمل، حد و مرز چندانی میان این زمین ها و زمین های اراضی سلطنتی وجود نداشت. (قدیانی، ۱۳۸۴: ص ۲۰۳ و ۲۰۲؛ اجلالی، ۱۳۷۳: ص ۳۹)

۱۰۱۱ اموال تیول

پس از آقا محمدخان، میل غالب این بود که اراضی وسیعی از مملکت به عنوان تیول واگذار شود و به این ترتیب بر وسعت نواحی ای که به شکل غیر مستقیم اداره می شد، افزوده شود. اصطلاح تیول، مانند دوره صفویه، مشتمل بر انواع مختلف از عطایا یا اختصاص عوایدی به مناسبت معین یا اعطای زمین خالصه به جای حقوق و مواجب و یا اعطای حق وصول مالیات ناحیه ای از املاک خالصه یا شخصی می شد که در برخی موارد، تیولدار متعهد می شد که در قبال این تیول، قوای نظامی ای (بنیچه) برای حکومت مرکزی فراهم کند. (لمتبون، ۱۳۷۵: ص ۱۱۱؛ دالمانی، بی تا: ج ۲/ ص ۴۷ و ۴۶؛ اجلالی، ۱۳۷۳: ص ۳۹، کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ص ۵۸۳)

از انواع تیول های یاد شده، نوع دوم - یعنی اعطای زمین خالصه به جای حقوق و مواجب - بیش از همه معمول بود و به تدریج، این تمایل پدید آمد که تیول ها، مبدل به املاک شخصی شوند و تیولدار، مالک بالفعل آنها شود تا بتواند آنها را موروثی کند و یا از طریق بیع یا اجاره به دیگران منتقل سازد. در ابتدا این نوع مأموران از طرف دیوان، مالیات را از دهقانان وصول می کردند و حال آنکه، دیوان به تیولداران که مالک بالفعل بود، وصول گردید. با این تفاوت که دیگر، این مالیات ها، عنوان مطالبات دیوانی را نداشت، بلکه در حکم رسوم و عوارض فوق العاده ای بود که مالک از زارع می گرفت. به عبارت دیگر، مالیات دیوان با سهمی که مالک از غله می برد

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

(بهره مالکانه) یا مال الاجاره ای که از مستأجران خود می گرفت، یکی می شد. (تاجبخش، ۱۳۸۲: ص ۴۰۵ و ۸۱۴؛ سلیم، ۱۳۸۳: ص ۲۴۵ و ۲۴۴)

۱۰۱۰۴ • موقوفات

در دوره قاجار، موقوفه های فراوانی، خواه املاک و یا اجاره بهای مناطقی نظیر کاروانسراها، دکان و بازار برای اهداف مودر نظر واقف وجود داشت. اراضی وقفی، دو نوع بوده است. زمینی هایی که برای امور خیریه وقف می شد و غیر قابل انتقال بود و اصطلاحاً وقف عام نامیده می شد و املاکی که برای مصارف خاص وقف می شد و وقف خاص اطلاق می شد. در این دوره نیز چون دوره های گذشته، گاهی مالکیت به این امید که املاکشان از ضبط و توقیف حکومت در امان بماند، آن را وقف خاص می کردند. املاک موقوفه، معمولاً معاف از مالیات بود، اما گاهی دولت از بعضی از این موقوفات نیز مالیات دریافت می کرد. به طور مثال، آستانه امام رضا(ع) در مشهد در این دوره نیز در سراسر ایران املاکی داشت و از این بابت، درآمدی بالغ بر شصت هزار تومان و ده هزار خروار غله عایدی داشت و دولت هر ساله از این املاک موقوفه، هزار تومان مالیات دریافت می کرد. (تاجبخش، ۱۳۸۲: ص ۸۱۵؛ دالمانی، بی تا: ج ۲/ ص ۷۳ و ۷۲؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲، ص ۵۸۳)

۱۰۱۰۵ • ۱ • املاک خصوصی

املاک خصوصی از راه ارث، خریداری، اهدای شاهانه و یا احیای زمین های بایر بدست می آمد. املاک خصوصی، عموماً به دو قسمت تقسیم می شد که شامل املاک اربابی و املاک خصوصی خرده مالکی بود. املاک اربابی، املاک وسیعی بودند که بر فردی جز پادشاه تعلق داشتند. عموماً ثروتمندان این زمین ها را خریداری می کردند یا حکومت این زمین ها را به آنها می بخشید و سپس به صورت ارث به فرزندان بزرگ مالکان (اربابان) منتقل می شد. در برخی مناطق، همه زمین های یک یا چند روستا، متعلق به یک ارباب و یا چند ارباب، مالک زمین های یک روستا یا منطقه بودند. (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ص ۱۵۳؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ص ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۸۳)

املاک خصوصی خرده مالکی، نوع دیگری از املاک خصوصی بود. این املاک بر اساس سند به روستاییان تعلق داشت و یا اینکه ارباب روستا، زمین های زراعی را بین دهقانان تقسیم می کرد

و حتی به آنان اجازه می داد تا این اراضی را بین خودشان خرید و فروش کنند. در عوض، رعایا در ازای بهره برداری از ملک اربابی، یک سوم محصول را به او می دادند، اما با این همه، صاحبان املاک اربابی نیز ناگزیر بودند مالیات زمین های مزروعی و غیر مزروعی خود را به یک نسبت به دولت بپردازند. (عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۵۲۶؛ سایکس، ۱۳۲۰: ج ۲/ ص ۵۵۷ و ۵۵۶، کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ص ۵۶۳)

بارزترین تحول در این دوره، گسترش میزان املاک خصوصی بود. در دوره قاجاریه، زمین بیش از هر زمان دیگر، سرچشمه ارزشمند اعتبار و ثروت تلقی می شد. علت این امر را می توان آمیزه ای از سیاست مالیاتی دولت و ادغام هر چه بیشتر اقتصاد ایران در بازارهای جهانی دانست. چون نیاز طبقه های بالا و بالای متوسط به منابع درآمد، روز به روز بیشتر می شد و زمین به عنوان بهترین منبع تولید کننده محصولات پولی برای صادرات بود. زمینداران جدید، اعم از آنان که بازرگان بودند یا آنها که منشاء دیوانی یا ایلی داشتند از قدرت سیاسی و اقتصادی چشمگیری برخوردار بودند. به همین دلیل در این دوره، میل به تملک زمین از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود. (فوران، ۱۳۸۰: ص ۱۸۹) به این ترتیب، بعد از سال ۱۸۵۰م و به طور قطع از ۱۸۸۰م، مالکیت املاک سلطنتی و موقوفه با آهنگی فزاینده به بازرگانان، روحانیان و مقام های دولتی منتقل شد. حاصل این نوع تملک، پیدایش و رشد طبقه جدید و با ثبات تر ملکدارانی بود که املاکشان نه تنها خصوصی، بلکه بسیار پهناور بود. دیوانیان، مقام های سرشناس شهری، اعیان و حکام و رؤسای قبیله ها و ایلات، همه به مالکیت های بزرگ از نوع یاد شده، دست یافتند. (همان، ص ۱۸۸) لازم به ذکر است که در تمام مالکیت های زمین از جمله مالکیت خصوصی، شاه مالک تمام زمین ها محسوب می شد و می توانست تمام یا بخشی از یک ملک خصوصی را مصادره کنند. (قدیانی، ۱۳۸۴: ص ۲۰۳)

بنا به گزارش منابع به دلیل معاف بودن اراضی تیول و بیشتر اراضی وقفی از مالیات، بار سنگینی بر دوش صاحبان زمین ها و املاک خصوصی، جهت پرداخت مالیات می افتاد و گرچه، باید ۲۰٪ تا یک پنجم عایدی زمین به صورت جنسی دریافت می شد، ولی این میزان در بیشتر موارد تا ۳۰ و ۴۰٪ سهم محصول هم می رسید. ضمن آنکه میزان مالیات ها و بهره های مالکانه در نقاط مختلف با یکدیگر متفاوت بود. (سلیم، ۱۳۸۳: ص ۲۴۶؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۲۱ و ۱۲۰)

۱۰۲. مالیات احشام

نوع دیگری از مالیات های ثابت در این دوره، مالیات بر احشام و اغنام بود. این مالیات، عموماً مالیاتی بود که بر ایلات و مردم صحرائشین بسته می شد که کار عمده آنان دامداری بود. مالیات بر احشام، تنها مالیاتی بود که در میان این گروه از جمعیت ایران مرسوم بود، زیرا آنان، زمین خود را در ازای خدمت نظامی در دست داشتند، یعنی در قبال استفاده از زمین، متعهد به ارائه خدمت نظامی به دولت بودند و احشام و چهارپایان به عنوان تنها سرچشمه ثروت آنان به شمار می رفت. (واتسن، ۱۳۶۸: ص ۸ و ۱۰؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۲۱) مالیات مقرر بر ایلات به صورت نقدی دریافت می شد. یعنی آنان به ازای هر دام زنده، مبلغ ثابتی می پرداختند که عموماً میزان آن عبارت بود از: هر بز و گوسفند، پانزده شاهی تا یک قران و هر الاغ و گاو یک تومان، اما به موازات آن، پرداخت مالیات جنسی نیز تداوم داشت. روسای قبیله ها و ایلات این مالیات ها را گردآوری می کردند و مبلغی بیش از آنچه به دولت می پرداختند از افراد ایل وصول می کردند و ما به التفاوت را برای خود نگاه می داشتند. (واتسن، ۱۳۶۸: ص ۸ و ۱۰؛ وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲: ص ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۵۵۶؛ کاساکوفسکی؛ ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ص ۱۰۶)

از اقوام چادرنشین به رسم مالیات، مبلغی نیز به حاکم ولایت مربوطه پرداخت می شد. تقسیم این مالیات در درون افراد ایل بر عهده ایلخان، ریش سفید و یا توشمالها (پیرمردان) بود به عنوان نمونه، ایل بختیاری، مبلغی مالیات را به والی خوزستان یا بروجرد و نیز مبلغی هم به حاکم اصفهان می پرداختند. در این میان برای چند طایفه به جای این مالیات، خدمت نظامی منظور شده بود، ولی در اکثر موارد، میزان عواید به طور صریح، مقرر و در ازای خدمت نظامی نیز، مبلغی جداگانه مشخص شده بود. (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲: ص ۴۶۵ و ۴۶۶؛ ۵۵۶؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ص ۵۶۳ و ۵۶۴)

۱۰۳۰. مالیات اصناف

یکی دیگر از انواع مالیات های مستقیم در این دوره، مالیات بر کسب بود. مالیات بر پیشه وران و تجارت با نوعی بی نظمی و آشفتگی همراه بود، زیرا این نوع مالیات، گاه بر حسب سرشماری و گاه بر حسب عایدات سالانه صورت می گرفت. در دریافت این مالیات با توجه به عدم نظارت دقیق و کافی بر مالیات گیری و نیز استبداد حاکم بر ایران دوره قاجار، حکام ایالات و والیان غالباً افراط می کردند و علاوه بر میزان تعیین شده، مبالغ و وجوهی به عنوان پیشکش از کسبه و اصناف می گرفتند و میزان این مالیات، گاه از طریق سرشماری و گاه از روی عایدات و منافع تعیین می شد. (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ص ۱۰۱؛ سایکس، ۱۳۲۰: ج ۲/ ص ۵۵۴؛ فلور، ۱۳۶۵: ج ۲/ ص ۷۸ و ۷۷). از سوی دیگر در این دوره، تحت عنوان مالیات بر کسب و کار، مالیات اجاره خانه ها، کاروانسراها، حمام ها، دکان ها، آسیاب ها، کارگاهها و کارخانه ها نیز دریافت می شد. (فلور، ۱۳۶۵: ج ۲/ ص ۷۹؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ص ۱۷۳ و ۵۶۴). میزان این مالیات به درستی مشخص نبوده است تا اینکه در اواخر سال ۱۳۳۲ ق/ ۱۹۱۴م، خزانه داری کل، تهیه و وضع نظامنامه ای برای مالیات اصناف را به هیأت وزرا پیشنهاد کرد. این نظامنامه، دارای ۱۵ ماده بود که طی آن برای صاحبان حرف، تجارت و اصناف، مالیات مشخصی مقرر شده بود. در ماده ای از این نظامنامه آمده بود که علما، مستخدمین دولتی، معلمین و مدیران مدارس از این مالیات معاف و در ماده ای دیگر مقرر شده بود که مالیات مزبور، نباید بیشتر از صدی پنج و کمتر از صدی نیم، نسبت به عایدات خالص مضمولین باشد. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۲۴)

در گزارشی از مالیات از پیشه وران روسی و میزان آن در سال ۱۳۲۴ق و مقایسه آن با مالیات مقرر شده در ایران اینگونه آمده است:

«از هر دکان، ماهی یک منات برای آب پاشی و زبیل برداری می گیرند. سالی هم هشتاد الی یکصد و چهل منات مالیات از دکان ها پول چراغ و نهرپاک کنی هم علاوه است. در ایران ما مالیات خیلی کم گرفته می شود. این جاها از خانه، زمین از هر چه می گیرند. در ایران هم بگیرند و خرج شهر کنند، البته بهتر است...» (عین السلطنه، ۱۳۷۶: ج ۲/ ص ۱۷۳)

نکته ای که اینجا لازم به ذکر است اینکه دولت گاهی بر حسب سیاست های خاص مالی و اقتصادی خود مبادرت به اعمال مالیات های جدید یا کاهش یا تغییر برخی مالیات ها می نمود. در دوره حکومت مظفرالدین شاه به دلیل کمبود نان و قحطی های ناشی از آن، مالیات نانوائی ها

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

و قصابی ها بخشیده شد. البته این موضوع، یعنی بخشیده شدن مالیات نانوائی ها و قصابی ها در سال پنجاهم حکومت ناصرالدین شاه نیز اعمال شده بود. (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ص ۵۵ و ۵۴ و ۵۳؛ وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲: ص ۵۵۵ و ۵۵۴؛ امین الدوله، ۱۳۴۱: ص ۲۰۶) سپس در سال ۱۳۱۶ق، طی فرمانی از طرف مظفرالدین شاه مقرر شد که اصل مالیات این دو صنف - قصابی و نانوائی - معاف، ولی فرع آن باید پرداخته شود. (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲: ص ۵۵۵ و ۵۵۴) سپس به دلیل نیاز دولت به پول و سیاست های خاص مالی و اقتصادی در سال های بعد، نه تنها مالیات این صنف ها دوباره اعمال شد، بلکه میزان آن به اندازه ای بود که باعث نارضایتی عموم مردم شد، زیرا با افزایش مبلغ مالیات قصابی، نرخ این اقلام نیز افزایش می یافت. براون در همین زمینه گزارش می دهد که:

«در آوریل ۱۹۰۱م گزارش شد که کلیشه سایتونگ، متن تلگرافی را از سن پترزبورگ منتشر ساخته که نشان می دهد وضع جسمانی شاه وخیم تر شده ... همچنین مالیات سنگینی بر اثر کالاهای ضروری از قبیل گوشت وضع گردیده و این امر، سبب ناخشنودی بسیار در تهران شده و خاصه احساسات عمومی را علیه بلژیکیها و سایر متصدیان مالیات برانگیخته است». (براون، ۱۳۸۰: ص ۱۰۶)

۱۰۴ عواید گمرکات

یکی از مهمترین درآمدهای دولت قاجار که همواره ارقام درشتی را به خزانه دولت سرازیر می کرد، عواید گمرکات بود. اداره گمرک با وجود وزارت مالیه، ضمیمه وزارت دربار اعظم بود تا شاه به راحتی بتواند از درآمد گمرکات به عنوان یکی از مهم ترین منابع عایدات دولت استفاده و در آن دخل و تصرف کند. به این ترتیب در عواید و حقوق گمرکی و درآمد آن نیز، مرز مشخصی میان استفاده از منافع آن توسط دولت و یا شخص شاه وجود نداشت و شاه قاجار سعی می کرد تا در این بخش از عواید نیز اعمال نفوذ و دخالت نماید. (شمیم، ۱۳۷۹: ص ۳۴۱ و ۳۴۰) اداره گمرکات ایران از جمله تشکیلاتی است که در دوره قاجاریه، دستخوش تغییرات زیادی شد. قبل از انقلاب مشروطیت و ورود بلژیکی ها به ایران، یعنی تا سال ۱۳۱۷ق، وضع حقوق گمرکی ایران، مانند برخی دیگر از امور اداری سر و سامانی نداشت. هر یک از گمرکات ایران از طرف حکومت مرکزی به یکی از رجال ثروتمند و متنفذ و یا گاهی به یکی از روسای محلی به اجاره داده می شد. (مستوفی، ۱۳۲۳: ج ۲/ ص ۵۰؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ص ۵۶۷ و ۵۶۶) در همین زمینه، عبدالحسین

خان سپهر گزارش می دهد که در شش ماه اول سلطنت مظفرالدین شاه به میرزا اسماعیل خان امین الملک، وزیر خزانه واگذار شد و یا در گزارش دیگری از این نویسنده در جمادی الاخر سال ۱۳۱۶ ق، وزارت تمام گمرکات به میرزا محمد خان قوام الدوله، وضع الدوله و معزالملک سپرده شد. (عبدالحمید خان سپهر، ۱۳۶۸: ص ۵۶ و ۳۲۲) در رابطه با اجاره گمرکات، قهرمان میرزا سالور در روزنامه خاطرات عین السلطنه این گونه آورده است:

«خبر تازه، این است که قوام الدوله با صنیع الدوله و معزالملک دایی صدر اعظم، دویست هزار تومان داده و گمرک را گرفتند. از وقتی که شاه شهید شده، نهصد هزار تومان به گمرک علاوه شد. اگر ثلث این پول در آن عهد به ناصر الدین شاه می رسید، اغلب کارها را مرتب می کرد. حالا هر چه علاوه می شود، خبری نیست الان گمرک ایران، بیشتر از این هم اجاره دارها می برند و تلف می شود...» (عین السلطنه، ۱۳۷۶: ج ۲/ ص ۱۷۸)

اشخاصی که گمرک را به اجاره می گرفتند در مقابل پرداخت وجه مشخص شده، در محل، سازمان و دفتری برپا می کردند و هر کدام برای خود، تعرفه گمرکی ویژه ای داشتند و با مقرراتی که خود وضع می کردند گمرک را اداره می نمودند و در برابر، مبلغ ناچیزی، بابت اجاره گمرک به دولت می دادند. اجاره داران گمرک از این بابت، سود بسیاری عایدشان می شد و همه آنان در رده ثروتمندان در می آمدند. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ص ۶۱۸؛ دالمانی، بی تا: ج ۲/ ص ۴۸؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ص ۵۶۷ و ۵۶۶) میزان اجاره گمرکات در سال های مختلف، غالباً ثابت و تفاوت آن بسیار جزئی بود. به عنوان نمونه، گمرکات آذربایجان در سال ۱۲۸۴ ق، به مبلغ ۱۲۰ هزار تومان به اجاره واگذار شد و تا سال ۱۳۰۰ ق به همین حال باقی ماند. مستأجرین گمرکات هر یک از ایالات مرزی ایران، چون آذربایجان، خراسان، کردستان و کرمانشاهان، خوزستان، فارس، کرمان و بلوچستان در حدود ۲۰٪ بیش از مبلغی که بابت اجاره سالانه به دولت می پرداختند، درآمد داشتند. (شمیم، ۱۳۷۹: ص ۳۶۱ و ۳۶۰؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۳۰ و ۱۳۱) در دوره مظفرالدین شاه تا مدتی، مقاطعه گمرکات جنوب در دست حسینقلی خان مافی نظام السلطنه بود و سپس در اختیار سعدالملک برادر نظام السلطنه قرار گرفت و گمرکات شمالی نیز در مقاطعه فتح الله خان بیگریگی رشتی بود. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ص ۶۱۸؛ امین الدوله، ۱۳۴۱: ص ۲۴۷) بنا به گزارش جمالزاده از سال مالی ۱۲۸۳ ق تا ۱۳۱۶ ق درآمد گمرکات به این صورت بوده است. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۳۱)

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

۱۲۸۳-۱۲۸۴	قران ۵/۳۶۶/۶۰۰
۱۲۹۶-۱۲۹۷	قران ۶/۰۶۴/۰۰۰
۱۳۰۵-۱۳۰۶	قران ۸/۲۰۰۰/۰۰۰
۱۳۱۱-۱۳۱۳	قران ۹/۳۰۰/۰۰۰
۱۳۱۴-۱۳۱۵	قران ۱۳/۵۰۰/۰۰۰
۱۳۱۵-۱۳۱۶	قران ۱۲/۵۰۰/۰۰۰

گاهی در دوره قاجار به عنوان نمونه در دوره مظفرالدین شاه در عوارض گمرکی برای رونق تجارت و بهبود اوضاع مشمولین، معافیت ها و بخشودگی هایی صورت گرفت. از این نمونه می توان به فرمان مظفر الدین شاه در سال های ۱۳۱۴ و ۱۳۱۸ق اشاره کرد. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ص ۶۱۸؛ یکتایی، بی تا: ص ۶۰) بعلاوه، تعرفه ها و قوانین گمرکات ایران، بارها با توجه به اوضاع و سیاست های اقتصادی و مالی و بر حسب منافع دولت تغییر می کرد. (یکتایی، بی تا: ص ۹۰ و ۸۹؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۳۸) به عنوان نمونه می توان به تغییر تعرفه های گمرکی در سال ۱۹۰۳م، ۱۹۲۰م و غیره اشاره نمود. (یکتایی، بی تا: ص ۹۰ و ۸۹)

تا سال ۱۳۱۶ق که شیوه اداره گمرکات از اجاره به اداره آن، توسط مأمورین دولتی تبدیل شد؛ سازمان گمرک، عبارت از اداره مرکزی کل گمرک در تهران و شانزده اداره گمرک در شهرستان های تهران، ایستگاه و تهران، امانات پستی، تبریز، آستارا، بندر پهلوی، بابلسر، بندر شاه، مشهد، زاهدان، بندر عباس، بوشهر، خرمشهر، اهواز، کرمانشاه، کردستان (سنندج) و اراک بود که در هر یک از شهرستان های ذکر شده شامل یک دفتر، عده ای دفتردار و چند نگهبان می شد. (همان، ص ۹۰ و ۹۱) اداره مرکزی کل گمرک نیز بوسیله یک مدیر کل، یک معاون و شخصی با سمت رئیس کل بازرسی گمرکات اداره می شد. از جمله اداره ها و دوایر مرکزی وابسته به گمرک در دوره مورد بحث می توان به اداره بازرسی، دایره تعرفه، دایره اموال، اداره دفتر و غیره اشاره داشت. (همان، ص ۹۱)

گمرک ایران در دوره ای که به اشخاص به اجاره داده می شد اوضاع مناسبی نداشت، زیرا از سویی میزان درآمد گمرکات، بسیار بیشتر از اجاره بهایی بود که دولت دریافت می کرد و از سوی دیگر، سوء مدیریت و احجاف اجازه داران و مسئولان گمرکی و تعرفه های آنان به صادرات و واردات و کیفیت و کمیت آن آسیب می زد. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ص ۶۱۸؛ امین الدوله، ۱۳۴۱: ص ۲۴۷) در سال ۱۳۱۵ق، اداره گمرک و ضرابخانه به یک هیأت بلژیکی مرکب از نوز، پریم و انگلس سپرده شد. در سال ۱۳۱۶ق، امور گمرکات تبریز و باختران نیز به این هیأت واگذار شد و سپس نوز که رئیس گمرک تهران بود، ریاست و نظارت بر گمرکات باختران، رشت و انزلی را نیز عهده دار شد و بعد به ریاست کل گمرکات ایران منصوب شد. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ص ۶۱۸؛ قربان میرزا سالور، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۳۴۸؛ هاردینگ، ۱۳۶۳: ص ۲۷، جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۳۱) در قبال خدمت این افراد در گمرکات ایران، دولت مظفرالدین شاه متعهد شد سالی ۱۶ هزار تومان به آنان، حقوق پرداخت کند. (قهرمان میرزا سالور، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۲۳۶) اقدامات گروه بلژیکی در تنظیم امور گمرک به تصویب و اجرای تعرفه های چندی انجامید که این تعرفه ها به ایجاد نظم در امور گمرکات ایران کمک کرد و البته از سوی دیگر، برخی از این تعرفه ها به زیان گروهی از تجار و بازرگانان ایرانی منجر شد و اعتراض های گسترده ای را سبب شد، اما در مجموع تفویض اداره گمرکات ایران به این گروه و واگذاری به صورت اجاره به درآمد بیشتر و چشمگیر دولت انجامید. (قهرمان میرزا سالور، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۶۹۰؛ اشرف، ۱۳۵۹: ص ۹۴؛ هدایت ۱۳۶۳: ص ۱۷۰) یکی از اقداماتی که مستشاران مالی بلژیکی صورت دادند این بود که تعرفه های گمرکی را که در گذشته، عموماً بستگی به ملیت تاجر و صاحب کالا داشت و برای اتباع ایرانی، سه درصد و برای اتباع خارجی، پنج درصد بود و از واردات و صادرات، هر دو دریافت می شد برای همه تجار برابر و این نرخ گمرکی را به میزان پنج درصد مشخص نمودند. با اینکه اداره گمرکات، توسط نوز و همکارانش به افزایش درآمد دولت منجر شد، اما تعرفه های آنان، گاهی به زیان تجار و بازرگانان ایرانی و به سود کشورهای نظیر روسیه تمام شد که یکی از طرف های اصلی تجاری ایران بود. (قهرمان میرزا سالور، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۲۳۶؛ ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ص ۶۱۸؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۱۱۱)

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

یکی از درآمدهای دولت قاجاریه، عوارض راهداری بود. عوارض راهداری را در راههای داخل کشور و به بهانه تأمین امنیت راهها از کاروانها و افراد می گرفتند. (یکتایی، بی تا: ص ۷۴، قدیانی، ۱۳۸۴: ص ۱۹۷) از طرف دیگر، جوهی نیز توسط حاکمان و والیان از مال التجاره ها و کالاها به هنگام عبور این کالاها از مناطق تحت فرمان آنها علاوه بر راهداری دریافت می شد. (یکتایی، بی تا: ص ۷۵ و ۷۴) این عوارض پس از مدتی برای تجار و مسافران خارجی لغو شد، اما با وجود معافیت ها و بخشودگی هایی که گاهی در برخی از این عوارض راهداری - مثلاً در دوره مظفرالدین شاه- صورت می گرفت، به طور مداوم از تجار و مسافران ایرانی دریافت می شد. (همان، ص ۶۱) به عنوان نمونه، تجار ایرانی، گاهی بر حسب فاصله تا محل ورود کالا به جهت یک محموله، چندین بار- گاهی تا ۱۰ بار- عوارض راهداری می دادند و البته این وضع، بارها مورد اعتراض تجار و دیگر منتقدان قرار گرفت و این مسئله، خود یکی از علل عدم رقابت بازرگانان ایرانی با تجار خارجی و عقب ماندگی و عدم رشد صنعتی تجاری و بازرگانی داخلی بود. (اشرف، ۱۳۵۹: ص ۹۴)

عوارض راهداری پس از تشکیل حکومت مشروطه به صورت مالیات نواقل و سپس به صورت عوارض شهری درآمد و بعدها با تصویب قانون بلدییه از وظایف انجمن های بلدییه شد و به موجب قانون مالیات بلدی از اتباع ایرانی دریافت می شد. (یکتایی، بی تا: ص ۷۵ و ۷۴)

۱۰۶ اجاره بها و کرایه ها

یکی دیگر از منابع عایدی دولت، اجاره بها و کرایه ها بود. در واقع، دولت قاجار با واگذاری اداره برخی منابع درآمد چون پست و تلگراف، معادن و ضرابخانه ها به افراد متقاضی و جوهی دریافت می کرد. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۱۸)

۱۰۶۰۱ پست

اداره پست تا سال ۱۲۹۰ق، بر عهده وزارت طرق و شوارع بود و سپس پست به همراه وزارت طرق و شوارع به میرزا علی خان امین الملک (امین الدوله بعدی) واگذار شد. درآمد دولت از حمل و نقل محموله های پستی، همیشه یک مبلغ ثابت بود و رسم بر این منوال بود که چاپارچی باشی و بعدها مقاطعه کار پست، درآمد سالانه پست را در ازای پرداخت مبلغی معین به دولت، خود جمع آوری و دریافت نماید. به عنوان نمونه، در سال ۱۳۱۲ ق، میرزا محسن خان

معین المللك، سالانه، مبلغ ده هزار تومان به عنوان اجاره به دولت می پرداخت. یا در سال ۱۳۱۶ ق، مرتضی قلی خان صنیع الدوله، وزیر پست شد و سالانه، مبلغ بیست هزار تومان، بابت اجاره و عواید پست به خزانه دولت پرداخت می کرد. این مبلغ تا سال ۱۳۱۸ ق، به تدریج به ۶۰ هزار تومان بالغ گشت. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۳۷-۱۳۴؛ امین الدوله، ۱۳۴۱: ص ۱۲۰)

۲۰۶۰۱ تلگراف

عواید اجاره و مقاطعه تلگراف، یکی دیگر از منابع درآمد دولت بود. تا اوایل مشروطه، اداره و مقاطعه عواید تلگراف در دست خانواده علی قلی خان مخبر الدوله بود و او، سالی بیست هزار تومان از این بابت به دولت پرداخت می کرد، اما مقارن استقرار رژیم مشروطه، ولی خان سپهدار، تلگراف ایران را به مبلغ سالانه ۲۳۰ هزار تومان از دولت اجاره نمود. در سال ۱۳۰۶ ق، عایدات دولت از بابت تلگراف های داخله و خارجه در مجموع ۲۱۰/۳۴۸ قران بوده است. (شمیم، ۱۳۷۹: ۳۶۳؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۳۳ و ۱۳۲)

۳۰۶۰۱ ضرابخانه

اداره ضرابخانه در اوایل حکومت ناصر الدین شاه در دست امین السلطان بود و از سال ۱۳۰۰ ق، اداره آن به حاج محمد حسین اصفهانی، امین دارالضرب به مقاطعه واگذار شد. در آن زمان، عایدی دولت از ضرابخانه، سالانه معادل ۲۵ هزار تومان بود و ضرابخانه، جزو وزارت مالیه محسوب می شد. پس از تأسیس بانک شاهنشاهی ایران، توسط انگلیسی ها در سال ۱۳۰۷ ق، ضرابخانه تا سال ۱۳۱۳ ق، زیر نظر آن بانک قرار داشت و در این سال به فرمان مظفرالدین شاه، اداره امور ضرابخانه به وزارت داخله سپرده شد و پس از سال ۱۳۱۵ ق، انگلیس، مستشار مالی بلژیکی، اداره امور ضرابخانه را تا چند سال در دست داشت. (شمیم، ۱۳۷۹: ص ۳۶۴؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۴۱ و ۱۴۰)

۴۰۶۰۱ معادن

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

یکی از منابع درآمد دولت، اجاره دادن معادن در این دوره بود. این مسئله به این دلیل صورت می گرفت که در حقیقت، دولت، مالک تمام معادن کشور به شمار می رفت. امیر کبیر در دوره کوتاه صدارت خود برای صنعتی کردن ایران، اقداماتی صورت داد و از آن جمله، توجه به استخراج معادن بود. او بدلیل اینکه، سرمایه های راکد را به جریان اندازد بر نیروی اقتصادی داخلی بیفزاید فرمائی، مبنی بر آزادی استخراج کلیه معادن ایران صادر و اداره امور معادن را به میرزا جبار ناظم المهام واگذار کرد. طبق این فرمان، اولاً کلیه اتباع ایران با کسب اجازه، حق استخراج معادن را داشتند، ثانیاً تا مدت پنج سال از پرداخت هر گونه مالیات دولتی معاف بودند. این تدابیر و اقدامات در ترویج استخراج معادن باعث شد تا بهره برداری از معادن شروع شود. علاوه بر معادن فیروزه نیشابور، معادن زغال سنگ اطراف تهران، معادن مس سبزواری، معادن نمک گروس، معادن زغال سنگ و سنگ گچ و سنگ های تراش قزوین، معادن نمک مجاور طالقان، معدن نمک نجم آباد، معدن سرب انگوران، معدن مس و سرب انارک یزد، معدن گوگرد در نزدیکی جنوب سمنان، معدن سرب بونه وردار سمنان، معدن زغال سنگ امام مهنگ لار، معدن زغال سنگ گل زرد لار و معدن زغال سنگ تار و موج و دماوند از دوره ناصرالدین شاه به بعد به اجاره داده شد. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۴۳)

پس از کشف نفت و استخراج آن، عایدات دولت از معادن، از راه اجاره معادن و نیز از بابت ۱۶ درصد منافع خالص معادن قراجه داغ که در امتیاز شرکت روسی بود و ۱۶ درصد منافع خالص معادن نفتی که در دست شرکت ایران و انگلیس بود، تا حدودی بالا رفت. (همانجا) کرزن اشاره دارد که در حدود سال ۱۳۱۰ ق، عایدات و درآمد سالانه دولت از اجاره معادن و مالیات معادن، بیش از ۱۵ هزار لییره نبوده و نزدیک به ۶ هزار لییره آن هم از معادن فیروزه نیشابور حاصل می شده و چون مبلغ اجاره و مالیات معادن به جز، فیروزه نیشابور، تقریباً یک پنجم عایدات خالص بوده است؛ به همین دلیل می توان تخمین زد که عایدات ایران از معادن از پنجاه هزار لییره تجاوز نمی کرده است. (کرزن، همان، ج ۲، ص ۴۳۶؛ شمیم، ۱۳۷۹: ص ۳۶۴)

۲۰۲ درآمدهای متفرقه

یکی دیگر از درآمدهای دولت، درآمدهای بود که به صورت متفرقه به دست دولت می رسید. از جمله این درآمدها می توان به جواز عبور یا تذکره اشاره کرد. تا سال ۱۲۶۷ ق، جواز و تذکره عبور و مرور منظم و اصولی ای در ایران وجود نداشت. از این سال، صدور تذکره در ایران، جهت

مسافران بوجود آمد. این موضوع علاوه بر اینکه، منبع عایداتی برای دولت شد تسهیلاتی را نیز برای مسافران بوجود آورد. پس از اینکه امور مربوط به تذکره در کشور صورت نظمی پیدا کرد و صدور آن به وزارت امور خارجه واگذار شد درآمدی که از این بخش در سال ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ ق، عاید دولت ایران شد معادل ۱/۳۹۸/۴۲۸ قران و در سال ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ ق، معادل ۴/۱۴۴/۳۴۵ قران بود. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۴۴)

علاوه بر دریافت هزینه صدور تذکره و جواز عبور از مسافرانی که قصد خروج از کشور را داشتند و قانون مربوط به آن از سال ۱۲۶۷ ق در کشور اجرا شد و مهمترین عایدی متفرقه دولت محسوب می شد. (شمیم، ۱۳۷۹: ص ۳۶۴؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۴۴) دولت و گاه، والیان و حکام محلی، گاهی به صلاحدید خود، قوانین و دستورالعمل هایی در راستای افزایش درآمدها صورت می دادند. (لمتبون، ۱۳۷۵: ص ۱۲۱) به عنوان مثال در ولایات گروس و کردستان معمول بود که رعایا در هنگام تغییر مکان از جایی به جای دیگر، مبلغی از ۳۴ قران تا ۸ تومان به عنوان «مطلق العنانی» و آزاد بودن برای تغییر محل به حکومت یا پشتکار مالیه پرداخت نمایند و اجازه نامه ای به عنوان «تعلیقه» دریافت کنند. این مالیات با روی کارآمدن مشروطه توسط وزارت مالیه و با اجازه مجلس در سال ۱۳۳۳ ق/ ۱۹۱۵ م ملغی شد. بستن مالیات بر کتیرا، گرفتن عوارض و مالیات از عمل آوری و فروختن تریاک، پوست بره و روده گوسفند و گرفتن مالیات از مسکرات و مشروبات الکلی - علی رغم حرام بودن آن در فقه اسلامی - از جمله درآمدهای متفرقه دولت بود. (عبدالحسین خان سپهر، ۱۳۶۸: ص ۳۱۴)

تا قبل از انقلاب مشروطیت، مالیات غیر مستقیمی در ایران وجود نداشت. از آن پس و به علت کسر بودجه و افزایش مخارج دولتی، هیأت دولت و مجلس درصدد منابع درآمد تازه ای برای ازدیاد عایدات خود برآمد و به تدریج مالیات هایی چون، مالیات تحدید تریاک، مالیات نمک، پوست بره و غیره معمول شد. در این میان، مالیاتی نیز تحت عنوان نظمی از طرف پلیس تهران دریافت می شد که در اصل جریمه ای برای شرارت ها و جرم ها بود. از سوی دیگر، قبل از آن نیز، نظمی، مالیات های گزافی برای عشرتکده ها و قمارخانه ها وضع کرده بود. (لمتبون، ۱۳۷۵: ص ۲۰۴)

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

یکی از منابع درآمد در دولت قاجار، واگذاری امتیاز به بیگانگان و یا افراد منتفد و ثروتمند ایرانی بود. در این میان در طول دوره حکومت قاجارها دو حکومت روس و انگلیس، بیشترین امتیازها را از پادشاهان این سلسله گرفتند. از جمله امتیازات سیاسی می توان به عهد نامه های ترکمن چای (۲۱ فوریه ۱۸۲۸م)، گلستان (۲۵ اکتبر ۱۸۱۳) و پاریس (مارس ۱۸۵۷م) اشاره کرد. این امتیازات، باعث بسط نفوذ و سیطره کشورهای استعمارگر بر ایران و باعث زیان های جبران ناپذیر اقتصادی و سیاسی می شد. (محدث، ۱۳۸۰: ص ۹۶) نحوه واگذاری این امتیازات به این شکل بود که صاحب امتیاز موظف بود در قبال گرفتن امتیاز مورد نظر، برای مدت مشخص و معلوم با شرایطی خاص، مبلغی را طبق قرارداد به دولت ایران پرداخت نماید. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۰۳ و ۱۰۲؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷: ص ۹۰)

در دوره مظفرالدین شاه از سویی برای یافتن منابع جدید درآمد و عایدی برای دولت و خزانه شاه و از سوی دیگر، جهت ایجاد زمینه هایی برای بهبود اوضاع عمرانی کشور و تسهیلاتی، جهت سرمایه گذاری خارجیان در ایران به بیگانگان، امتیازاتی داده می شد. یکی از این امتیازات، امتیاز راهسازی بود. در سال ۱۳۱۰ق، امتیاز ساختن راه انزلی به قزوین از طرف ناصرالدین شاه به شرکت روسی به نام «بیمه حمل و نقل» به مدت ۹۹ سال واگذار شد. این شرکت در سال ۱۲۱۵ق، امتیاز جدیدی برای ساختن راه شوسه تهران به همدان از طریق قزوین و انحصار معادن واقع در دو طرف راههای قزوین به انزلی و تهران به همدان را به مدت ۷۵ سال از مظفرالدین شاه گرفت. امتیاز مزبور تا اواسط جنگ جهانی اول و انقلاب کبیر روسیه (۱۹۱۷م-۱۳۳۶ق) برقرار و وصول و عوارض راهدای و نظارت بر عبور و مرور کالا و مسافر در این جاده ها در دست روس ها بود. (سایکس، ۱۳۲۰: ج ۲/ ص ۵۳۹؛ هدایت، ۱۳۶۳: ص ۱۵۷، تیموری، ۱۳۳۲: ص ۳۵۵)

یکی دیگر از امتیازاتی که در دوره مظفرالدین شاه به شرکت مذکور داده شد امتیاز اجازه پاک کردن و گود نمودن مرداب انزلی بود. این امتیاز نامه، شامل پنج ماده و یک ضمیمه بود و در رجب سال ۱۳۱۳ق، به امضای طرفین رسید. (تیموری، ۱۳۳۲: ص ۳۵۶ و ۳۵۵) از طرف دیگر، دولت ایران، هنگامی که برای گرفتن وام دوم از روسیه اقدام نمود، دولت روس نیز موقعیت را مغتنم شمرد و پیشنهادهایی به دولت ایران درباره دریافت برخی امتیازات داد. از جمله این پیشنهادها، اعطای امتیاز ساختن راه شوسه تبریز تا قزوین به بانک استقراضی روس بود. این قرارداد در پانزده ماده در ذیحجه سال ۱۳۱۹ ق میان طرفین امضاء شد. (همان، ص ۳۵۸ و ۳۵۷)

یکی دیگر از امتیازاتی که در دوره مظفرالدین شاه به روس ها واگذار شد. امتیاز معادن قراجه داغ بود. (تیموری، ۱۳۳۲: ص ۳۶۰) در سال ۱۳۱۶ ق، امتیاز استخراج معادن قراجه داغ آذربایجان از طرف دولت ایران به مدت ۷۰ سال به یک شرکت روسی که نماینده آن نیکولامارکوف بود، داده شد. حوزه این امتیاز، منطقه وسیعی از شمال آذربایجان در امتداد رود ارس بود که از جنوب تا مرند و اهر امتداد داشت و صاحب امتیاز حق داشت که از کلیه منابع زیرزمینی این منطقه به استثنای فلزات قیمتی، جواهر آلات، نمک خوراکی و نمک معدنی که قبلاً در اجاره یا امتیاز و یا تصرف اشخاص دیگر بود، بهره برداری نماید و ۱۶ درصد از سود خالص سنگ های معدنی معادن دولتی را در ایران ذوب کند و پنج درصد از سود خالص معادن متعلق به اشخاص را به دولت ایران بپردازد. بعلاوه شرکت موظف بود که برای هر هزار پوست (۱۶۵۰۰ کیلو) سنگ معدنی خام که به خارج حمل می کند، ۲/۵ منات (تقریباً ۱۵ قران) و برای حمل همین مقدار، زغال سنگ، پنج منات (سه تومان) به دولت ایران بپردازد. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۰۲ و ۱۰۱؛ اشرف، ۱۳۵۹: ص ۴۸؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۵۶۴؛ رواسانی، بی تا: ص ۳۹) لازم به ذکر است در همین سال، دولت ایران به کشور روسیه، امتیازی جهت بهره برداری و کاراندازی خط تلگراف مشهد- نصرت آباد (سیستان) را نیز واگذار نمود. (عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۵۶۴)

دیگر امتیازی که در دوره مظفرالدین شاه به روس ها واگذار شد تجدید و تمدید قرار داد امتیاز انحصار صید ماهی در آب های ایران در دریای خزر در سال ۱۳۲۴ق در زمان صدارت عین الدوله به مدت بیست سال بود. طی این قرار داد توافق شد شرکت شیلات در ازای واگذاری این امتیاز، سالانه مبلغ ۱۶۰ هزار تومان به دولت ایران واگذار کند. این امتیاز اولین بار در دوره ناصرالدین شاه به یکی از اتباع روسی به نام لیانازوف و برادران او واگذار شده بود. (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ص ۲۴۸؛ رواسانی، بی تا: ص ۳۹)

علاوه بر روس ها در دوره مظفرالدین شاه، امتیازاتی نیز به انگلیسی ها و فرانسوی ها داده شد. یکی از امتیازات انگلیسی ها در این دوره، امتیاز احداث یک شبکه ارتباط تلگرافی با سه سیم، بین تهران و سرحد بلوچستان در سال ۱۳۱۹ق بود. این شبکه، تهران را از طریق کاشان، یزد و کرمان به هند مربوط می نمود. در این قرارداد، دولت انگلستان متعهد شده بود که هر ساله مبلغی در حدود چهار درصد هزینه ساخت و مصالح خطوط تلگرافی مزبور را پس از کسر سه چهارم آن، بابت هزینه ساخت و مصالح این خطوط به ایران در دو قسط شش ماهه پرداخت کند

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

و این مبلغ نباید کمتر از ۲۵ هزار فرانک می شد. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۱۳ و ۱۱۲؛ رواسانی، بی تا: ص ۴۶) یکی دیگر از امتیازاتی که در دوره مظفرالدین شاه به انگلیس واگذار شد امتیاز انحصار صدور تنباکو توسط این کشور به کشور عثمانی بود. این امتیاز در ۱۳۱۰ق، بین دولت ایران و یک کمپانی انگلیسی برقرار شد. مدت امتیاز، بیست و پنج سال بود و طی آن شرکت متعهد شد که کلیه تنباکوی خریداری شده توسط کمپانی را در ایران از تجار و تبعه مسلمانان ایرانی خریداری نماید و در صورت تساوی قیمت پیشنهاد شده، کمپانی می بایست تجار ایرانی را برای خرید بر دیگر تجار مقدم دارد. در مقابل، دولت ایران نیز متعهد شد که از تنباکویی که توسط کمپانی انگلیسی از ایران صادر می شود بیش از پنج درصد، حق گمرک دریافت نکند. با این شرایط، کمپانی موظف بود تا از ابتدای شروع مدت قرار داد به صورت زیر، وجوهی را به دولت ایران پرداخت نماید. ۳ سال اول، سالی ۱۳,۵۰۰ لیره، ۶ سال دوم، سالیانه ۱۵,۰۰۰ لیره انگلیسی و ۱۶ سال پایانی مبلغ ۲۰,۰۰۰ لیره انگلیسی به واگذارنده امتیاز پرداخت کند. جمع این وجوه مدت بیست و پنج سال، مجموعاً ۴۵۰,۰۰۰ لیره انگلیس بود. (جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۱۶ و ۱۱۵)

علاوه بر این، دولت ایران در سال ۱۸۹۰ م، به بانک شاهنشاهی، امتیاز ساخت راههای تهران- اهواز، بروجرد- اصفهان و انحصارگاری رانی در سال ۱۸۹۱م، امتیاز راهداری راه تهران- قم و در سال ۱۸۹۸م، ساخت راه قم - اصفهان را تفویض نمود. (عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۵۶۲ و ۵۶۱)

در سال ۱۳۲۵ ق / ۱۹۰۶ م، کمپانی برادران لینچ، امتیاز احداث و بهره برداری از راه قم- سلطان آباد را دریافت کرد. در سال ۱۳۳۱ق نیز سندیکای راه آهن ایران برای بررسی احداث راه آهن خرمشهر- خرم آباد - بروجرد امتیازی دریافت نمود، (اشرف، ۱۳۵۹: ص ۴۹؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۵۶۲) اما یکی از مهمترین امتیازات اقتصادی که انگلیسی ها در دوره مظفرالدین شاه موفق به دریافت آن شدند که تبعات و پی آمدهای اقتصادی و سیاسی بسیار زیادی داشت، امتیاز نفت بود. این امتیاز در سال ۱۳۱۹ ق با مساعی شخصی به نام کتابچی خان و امین السلطان صدر اعظم وقت از طرف مظفرالدین شاه به داری اعطا شد و طی آن، امتیاز حفاری جهت استخراج نفت، گاز و قیر را در ایران به جز ایالات خراسان، مازندران، استرآباد و آذربایجان به شخص نامبرده به مدت ۶۰ سال واگذار کرد. داری در مقابل تعهد نمود که مبلغ ۲۰ هزار لیره به صورت نقدی، ۲۰ هزار لیره به صورت سهام و حدود ۱۶ درصد از سود سالانه به دولت ایران تعلق گیرد. (رواسانی، بی تا: ص ۴۶؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷: ص ۹۶؛ عضد قاجار، ۱۳۷۶: ص ۲۶۳) لازم

به ذکر است با جدی شدن جنگ انگلیس با آلمان، قرارداد نفت داری به دولت انگلیس تعلق گرفت و به شرکت نفت ایران و انگلیس مشهور شد. (عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۵۰۸-۵۰۶؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸: ج ۳ ص ۲۴۰ و ۲۳۹)

امتیاز دیگری که در دوره مظفرالدین شاه به خارجی ها واگذار شد امتیاز حفاری آثار باستانی در ایران به مدت نامحدود به دولت فرانسه در سال ۱۳۱۵ ق بود. طبق این امتیاز، آنچه از حفاری در ایران به جز ناحیه شوش بدست می آمد، می بایست به تساوی بین دولت ایران و دارنده امتیاز تقسیم شود، اما کلیه اشیاء و جواهرات و آنچه از حفاریات شوش بدست می آمد باید کلاً به دولت فرانسه تعلق می گرفت. لازم به ذکر است فرانسه برای گرفتن و عقد این امتیاز در حدود ۵۰۰۰۰۰ فرانک هزینه نمود. با عقد قرارداد در سال ۱۳۱۷ق، لنت دمرگان، کاوش های علمی خود را آغاز و به آثار باستانی بسیاری در شوش دست یافت. (تیموری، ۱۳۳۲: ص ۳۴۶-۳۳۷؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ص ۱۱۶ و ۱۱۵) در دوره مورد بحث در مه ۱۸۸۸ م، شرکتی نیز حق انحصاری کشیدن راه آهن را از تهران به قزوین و از تهران به شاه عبدالعظیم و از آنجا به قم دریافت کرد. این شرکت در حدود امتیاز خود، فقط توانست سه خط درشکه رانی در تهران راه اندازد و ۳۰ لیکومتر از راه آهن تهران تا معادن سنگ شاه عبدالعظیم را ایجاد نماید، اما منافع کم این شرکت باعث شد که نتواند کار و فعالیت خود ادامه دهد و به همین دلیل، دیگر طرح های شرکت در زمینه حمل و نقل درون شهری تحقق نیابد. (عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۵۶۰ و ۵۵۹)

در سال ۱۸۸۹ م، نیز یک بلژیکی با نام فلیپارت، امتیاز ایجاد یک کارخانه قند سازی را از دولت وقت گرفت. فلیپارت «سندیکای قند بلژیکی» را با یک سرمایه پنج میلیون فرانکی به راه انداخت و یک تصفیه خانه در نزدیکی تهران ایجاد کرد. بعدها به دلیل عدم سود دهی مناسب کارخانه در سال ۱۹۱۳م، به مبلغ ۱۲۵,۰۰۰ فرانک به یک گروه زرتشتی واگذار شد و کارخانه های کبریت و شیشه سازی هم که تحت همان امتیاز تأسیس شده بود، برچیده شد. (همان، ص ۵۶۰)

در دوره مورد بحث، امتیازهایی نیز به ایرانیان تعلق گرفت. به عنوان نمونه می توان از اجاره نامه ایجاد اداره حمل و نقل عامه در ایران، توسط کالسکه های خودرو نام برد که در شعبان ۱۳۱۶ق به حکیم الملک- وزیر ابنیه و مسکوکات- مهندس الممالک وزیر معادن و صنایع و

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

ماکزیمیلین کینرا، مهندس فرانسوی برق، واگذار شد، اشاره کرد. (محدث، ۱۳۸۰: ص ۹۷) یکی دیگر از ایرانیان که موفق به گرفتن امتیاز شد سپهسالار تنکابنی بود. او از جمله کسانی بود که امتیاز نفت در شمال ایران را دریافت کرد. (خلعت بری، ۱۳۶۲: ص ۲۲۵) از سوی دیگر، گاهی نیز بخشنامه ها و فرامینی از سوی دولت در خصوص امتیازها و امتیازگیرندگان صادر می شد که به عنوان نمونه می توان به بخشنامه سال ۱۳۲۳ ق/ ۱۹۰۴م، دولت عین الدوله اشاره کرد که در دو مفاد آن اشاره شده بود که هیچ تبعه ایرانی که دارای امتیازی در ایران است، نمی تواند برای فروش، انتقال یا اعطای امتیاز خود با اتباع خارجی وارد معامله شود و هر گونه تخطی از این حکم، منجر به ابطال امتیاز خواهد شد و دیگر اینکه، هیچ تبعه خارجی در آینده نمی تواند بدون کسب اجازه از دولت ایران در کشور، کارخانه احداث نماید. (طوسی، ۱۳۷۶: ص ۱۱۵)

علاوه بر واگذاری امتیازات، شرکت های تجاری و بازرگانی داخلی و خارجی فعال در این دوره نیز مبالغی را به دولت پرداخت می کردند. عمده ترین شرکت های صاحب امتیاز و فعال در دوره قاجار، شرکت های انگلیسی و روسی و چند شرکت از کشورهای دیگر و چند شرکت ایرانی بودند. (عیسوی، ۱۳۶۲: ص ۵۶۶ و ۵۶۵ و ۵۶۲؛ رواسانی، بی تا: ص ۳۹)

۲۰۲ فروش حکومت ولایات و مقامات حکومتی

یکی از منابع درآمد شاه در این دوره، فروش حکومت ولایات و مقامات حکومتی به متقاضیان بود. حکومت قاجار به دلیل عدم توانایی، جهت اعمال نفوذ و قدرت در مناطق دوردست ایران از سویی و از سوی دیگر به دلیل اینکه می خواست با واگذاری حکومت ایالات به وابستگان ایل قاجار، امکان بی نظمی و شورش ها را در مناطق مختلف کاهش دهد و نیز به این وسیله، منابع عایدی و درآمدی کسب کند به فروش حکومت ایالات و مقامات و حراج آن به کسانی می نمود که بیشترین مبلغ را پیشنهاد می دادند. (ملک آرا، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ص ۱۶۷ و ۱۶۶؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۱/ ص ۵۷۶؛ میرزا ملکم خان ۱۳۸۱: ص ۳۰۲؛ سایکس، ۱۳۲۰: ج ۲/ ص ۵۴۹) فروش حکومت ایالات و مقام ها باعث شد تا تمایلات گریز از مرکز و خودسری و به موازات آن، فساد و سوء استفاده های مالی و سیاسی افزایش یابد. به تدریج، شاهزادگان و وزیرانی همچون ضل

السلطان، حاج میرزا آقاسی، امین السلطان و غیره به ثروت های فراوان و مالکیت ارضی وسیع دست یابند. (سلیم، ۱۳۸۳: ص ۸)

در خصوص فروش ایالات، کاساکوفسکی اشاره دارد که: «آصف الدوله شهاب الملک، حکمران سابق خراسان تلاش می کرد بعد از فرمانفرما بحکومت فارس و خالی شدن محل حکومت کرمان حکومت آنجا را بدست آورد. شاه از وی میپرسد که چه مبلغ در عوض این مأموریت حاضر است بپردازد. آصف الدوله پنجاه هزار تومان وعده می دهد. شاه قبول می کند مشروط باینکه این وجه را نقداً برای پرداخت مطالبات ارتش بپردازد. آصف الدوله پنجاه و چهار هزار تومان نقداً حاضر و تأدیه مینماید که عیناً بلافاصله قشون می پردازند. آن وقت شاه با آصف الدوله می گوید: «خیلی متشکرم ولی بحکومت کرمان مدتی است کس دیگری را تعیین نموده ام». (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ص ۲۲۸)

در خصوص فروش مقامات آستان حضرت امام رضا (ع) قهرمان میرزا سالور اینگونه گزارش می دهد. «برای هر خدمتی هم قیمتی گذاشته اند. هر کس بخواهد باید آن مبلغ را تهیه کرده، تقدیم متولی باشی و بعضی دیگر نماید و فرمان آن صادر شود. هر وقت هم، این منصب را نخواهد یا خیال رفتن جایی را بکند یا میل منصبی بالاتر از آن را بنماید در بازار مشهد مقدس به معرض بیع و شهری در آورده، فوراً دیگران خریداری می کنند...» (عین السلطنه، ۱۳۷۶: ج ۲/ ص ۱۷۴۸ و ۱۷۴۷)

۳. پیشکش ها

یکی از منابع درآمد نامنظم شاه، پیشکش ها و تقدیمی هایی بود که از طرف سران حکومتی، والیان و اشخاص متنفذ و ثروتمند به مناسبت های گوناگون به شاه قاجار تقدیم می شد. (ملک آرا، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ص ۱۹۰ و ۱۶۷؛ ویلز، ۱۳۶۸: ص ۱۰۶؛ هدایت، ۱۳۶۳: ص ۱۶۹؛ دیوان بیگی، ۱۳۸۲: ص ۲۰۹) این پیشکش ها و تقدیمی ها مبلغ قابل توجهی از خزانه شخصی شاه را شامل می شد به عنوان نمونه در یک دریافتی به عنوان پیشکشی در دوره مظفرالدین شاه از رکن الدوله والی خراسان، مبلغ هفتاد هزار تومان و از والی فارس، مبلغ شصت هزار تومان دریافت شده است. (عین السلطنه، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۲۶۶) به عنوان نمونه دیگر، امین دارالضرب یکی از

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

متمولترین افراد دوره مورد بحث به مناسبت ها و به شکل مستقیم و غیر مستقیم به شاه پیشکش می داد. به شکل مستقیم با اعطای جواهرات یا اشیای دیگر و به شکل غیر مستقیم، مثل زمانی که بخشی از هزینه های عروسی ملیجک (عزیز السلطان)، درباری محبوب شاه را به عهده گرفت. (مهدوی، ۱۳۷۹: ص ۳۴)

در زمانی که یک والی، ولایتی را اجاره می کرد برای ادامه انتصاب خود و نیز به مناسبت سال جدید ملزم بود که برای شاه پیشکشی فراهم کند. هنگامی که شاه از محل اقامت یک کارگزار حکومتی یا شخصی دیگری دیدن می کرد و یا در زمان سفر شاه، بزرگان حکومتی و اشخاص متنفذ مجبور بودند به شاه هدایایی تقدیم کنند. البته این پیشکشی ها و هدایا نیز با ظلم و احجاف و تعدی از مردم دریافت می شد. بعلاوه از بزرگان دربار نیز انتظار می رفت تا به شاه پیشکش و تقدیمی دهند. نکته مهم اینکه، علی رغم اطلاق عنوان پیشکش به این نوع درآمدها در صورت ممانعت والیان از تقدیم پیشکشی و هدایا، این مبلغ به زور دریافت می شد. (واتسن، ۱۳۶۸: ص ۳۰؛ ویلز، ۱۳۶۸: ص ۱۰۶؛ امین الدوله، ۱۳۴۱: ص ۶۰) برای تهیه این هزینه ها، مطالبات و مالیات های سنگینی را بر دوش مردم عادی و طبقات پایین دست جامعه تحمیل می کرد که گاهی موجب اعتراض آنها می شد. مردم خواستار این مسئله بودند که شاه، مانع تعدیات پیشکش دهندگان شود. (لمبتون، ۱۳۷۵: ص ۱۱۳؛ واتسن، ۱۳۶۸: ص ۲۰ و ۱۹؛ ویلز، ۱۳۶۸: ص ۱۰۶) ملکم خان که از پیشکش دادن با عنوان «قسم گوش بری» یاد می کند به این مسئله اعتراض می کند که دولت قاجار در انتصاب حکام با گرفتن پیشکشی و پول از آنان، حکام را تعیین می کند و سپس دوباره در هنگام نیاز به پول، هر کسی که پیشکش و پول بیشتری تقدیم شاه قاجار نماید حاکم منطقه مورد نظر می شود. (قدیانی، ۱۳۸۴: ص ۱۹۸؛ مهدوی، ۱۳۷۹: ص ۳۴)

کاساکوفسکی در صحبت از فرمانفرما اشاره دارد که او از ۲۷ اکتبر ۱۸۹۶م به بعد توانسته است «۱۰۰ هزار تومان بجاید» و از این مبلغ هم «پنجاه هزار تومان» آن را به شاه پیشکش نموده است. (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ص ۲۴۰) همین نویسنده در نمونه دیگری از رسم پیشکشی، اینگونه گزارش می دهد که پس از اینکه عین الدوله نتوانست مبلغ سیصد هزار تومان تعیینی مظفرالدین شاه را برای پرداخت حقوق نظامیان و نیز بیلاق شاه درباریان و اندرون در نوروژ به شمیران فراهم آورد، وزرای جدید به ریاست نظام السلطنه برای جلب رضایت خاطر شاه مجموعاً مبلغ ۱۵۰ هزار تومان به این ترتیب نظام السلطنه ۳۰,۰۰۰، امین الملک ۳۰,۰۰۰،

مشیرالدوله ۱۰,۰۰۰، نظام الدوله ۱۰,۰۰۰ و سایرین جمعاً ۷۰,۰۰۰ به شاه تقدیم نمودند. (همان، ص ۲۴۲).

۴۰۲ • مصادره ها

یکی از درآمدهای نامنظم، اما همیشگی دولت، وجوه و مبالغی بود که از طریق مصادره اموال بزرگان حکومتی، اشخاص ثروتمند و متنفذ وارد خزانه دولت می شد. (نوذری، ۱۳۸۰: ص ۳۶۲؛ شریفی کاشانی، ۱۳۶۲: ص ۵۵۰ و ۶۳۸ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۴ و ۶۴۷) یکی از روش های مصادره اموال کارگزاران این بود که شاه قاجار پس از مرگ یا برکناری مقامات حکومتی، بخشی یا تمام اموال آنان را به بهانه ای نفع خود مصادره می کرد. (قدیانی، ۱۳۸۴: ص ۱۹۸؛ مهدوی، ۱۳۷۹: ص ۳۴؛ دیوان بیگی، ۱۳۸۲: ص ۲۱۴) احتشام السلطنه درباره مصادره اموال اشخاص، توسط پادشاه معتقد است « اینگونه مصادره ها و مجازات از مظاهر سلطه قوی بر ضعیف و قسمتی از قانون آکل و مأکول است که در اعمال و اجرای آن مطلقاً عدل و انصاف راه ندارد». (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ص ۱۲۴)

یکی دیگر از شیوه هایی که طی آن شاه پیشکش هایی دریافت می داشت و در دوره مظفرالدین شاه نیز متداول بود. گرفتن «نازشتی» بود. توضیح اینکه، زمانیکه شاه قاجار در شکارگاه می توانست حیوانی را شکار کند دیگران به او پیشکشی به عنوان «نازشتی» تقدیم می نمودند و این پیشکش به جهت تقدیر و تحسین شاه قاجار برای زیبایی و هنری بود که در فن شکار به کار می برد. (فخر الملک، ۱۳۶۲: ص ۶؛ کرزن، ۱۳۴۹: ج ۱/ص ۵۸۲) با روی کار آمدن مظفرالدین شاه و نیاز شاه، دولت و اطرافیان طمعکار و حریص دولت به پول، مصادره اموال بزرگان و مسئولین به عنوان یکی از راههای آسان برای یافتن پول، صورت گرفت. اولین قربانی این موضوع، میرزا اسماعیل خان امین الملک، رئیس خزانه بود که او را به بهانه رسیدگی به حساب های خزانه، تحت فشار قرار دادند تا اطلاعاتی در مورد خزانه کسب کنند. سرپرستی این کار با بصیرالسلطنه از نزدیکان مظفرالدین شاه بود. بالاخره، این افراد با دادن رشوه به میرزا رضا صراف از کارکنان امین الملک، به مقادیر زیادی پول دست یافتند. یکی دیگر از افرادی که اموالش در چنین شرایطی، مورد مصادره و ضبط دولت قرار گرفتن امین الضرب بود. امین الضرب به دلیل

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

ضرب زیاد پول سیاه - پول مسی - که البته اتهام نادرستی نیز نبود به جریمه ای به میزان ۱۲ کرور (۶ میلیون تومان) محکوم شد که البته با پرداختی کمتر ۷۶۰۱۰۰ تومان، موضوع فیصله یافت. (امین الدوله، ۱۳۴۱: ص ۲۳۲)

۵۰۲ رشوه

رشوه گرفتن، توسط شاه و کارگزاران و مقامات حکومتی، یکی از رایج ترین شیوه های کسب درآمد و عایدی محسوب می شد. اصولاً طبقات ثروتمند و متنفذ جامعه قاجار و والیان و مقامات حکومتی، جهت رسیدن به مقاصد خود یا انجام کارهای دیگران به کارهای مختلفی از جمله دادن و گرفتن رشوه متوسل می شدند. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ص ۴۰؛ دالمانی، بی تا: ص ۲۷) به عنوان یک نمونه می توان به وجوهی که داری پس از عقد قرار داد نفت با ایران به برخی از سران حکومتی پرداخت نمود، اشاره داشت. (شمیم، ۱۳۷۹: ص ۳۰۸ و ۳۰۷)

کاساکوفسکی در بحث از درآمدها و مالیات های حکام اشاره دارد که حکام ولایات به مأمورینی که از مرکز برای تعیین نرخ تسعیر به ولایات اعزام می شدند با دریافت رشوه ای ازحاکم، نرخ کمی را معین می کردند و بر این صورت، حکام با این تفاوت نرخ تسعیر که با دادن رشوه به مأمورین مالیات داده می شد درآمد خوبی کسب می کردند. (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ص ۲۲۳)

۶۰۲ جواهرات سلطنتی

یکی از منابع ثروت شاه و خزانه او در دوره قاجار هم مانند سایر دوره ها، جواهرات سلطنتی بود. جواهرات سلطنتی به خزانه شخصی شاه تعلق داشت و او می توانست هر طور که صلاح می داند از آنها استفاده و بهره برداری نماید. جواهرات سلطنتی به عنوان یکی از پشتوانه های خزانه شاهی محسوب می شد و شاه در موقع نیاز از آنان بهره برداری می کرد. (عین السلطنه، ۱۳۷۶: ج ۲/ ص ۱۳۳۹ و ۱۳۳۸ و ۱۳۲۰ و ۱۱۷۸) جواهرات سلطنتی را هم می توان به عنوان محل درآمدها و هم می توان به عنوان محل مخارج دولت به شمار آورد. زیرا شاه، مبالغی را جهت

خرید این جواهرات هزینه می نمود و به این دلیل می توان گفت که خرید جواهرات سلطنتی، جزئی از مخارج شاهان قاجار بوده است. به عنوان نمونه، کاتوزیان در بحث از نحوه استفاده و خرج استقراض دوم از روسیه گزارش می دهد که مبلغ ۱۵۳۳۵۶ تومان بابت خرید جواهرات اختصاص داده شد. از سوی دیگر در دوره مظفردالدین شاه، بخشی از جواهرات سلطنتی برای دادن پیشکشی به دولتمردان و یا دیگر مقاصد شاه و دولت هدید شد یا به فروش رفت. در سال اول جلوس مظفردالدین شاه به دلیل مشکلات مالی و نابسامانی های اقتصادی، صندلی ها و ظروف طلا را هم برای فروش از خزانه بیرون کشیدند. (دولت آبادی، ۱۳۳۶: ج ۴، ص ۱۷۴-۱۷۲) در همین رابطه، مستوفی اینگونه گزارش می دهد:

«... دخل مملکت از عهده حرص ایشان و مخارج گزاف و بخش های بی جای مظفردالدین شاه برنیامده، کم کم اشیاء دولتی و افتخارات ملی را به بازار حراج و فروش گذاشتند و پرده ناموس دولت را دریده، سابقاً جریمه ها اگر صد بود، هزار شد و رشوه ها اگر هزار بود، حرف کرور به میان آمد.» (مستوفی، ۱۳۲۱: ج ۲/ ص ۱۱)

نتیجه

منابع درآمد و عواید دولت قاجار در دوره مظفردالدین شاه، تفاوت چندانی با محل و منابع درآمدی ایران در این دوره و یا حتی با دوره دولت های قبل نداشت. در واقع، برخی از این عواید و درآمدها از ابتدا وجود داشتند و فقط بسته به نیاز دولت و خواست شاه و مشاوران او تغییر می کرد و در بیشتر مواقع، تنها چیزی که اهمیت نداشت میزان توانمندی و درآمد مردم برای پرداخت مالیات بوده است. این درآمدها، شامل درآمد و عواید ثابت و سیورسات و یا همان درآمد غیر ثابت می شد. درآمدهای ثابت، بیشتر شامل مالیات املاک، احشام، اصناف، گمرکات، راهداری، اجاره بها و معادن می شد و درآمدهای غیر ثابت شامل واگذاری امتیازات، فروش حکومت ها و مناصب حکومتی، پیشکش ها، مصادره ها و نظایر آن می شد. علاوه بر درآمدهایی که از ابتدا وجود داشته و با تغییرات جزئی و یا بدون تغییرات در این دوره هم ادامه داشت؛ نیاز مظفردالدین شاه به منابع درآمدی بیشتر، سیاست های غلط او، کسری بودجه دولت، فقر خزانه و نظایر آن باعث شد تا دولت در این دوره به دنبال منابع درآمدی جدید بوده و یا میزان برخی از مالیات های

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

ثابت و یا متفرقه را افزایش دهد. از جمله این موارد می توان به مالیات های خاصی که گاه و بیگاه ایجاد و سپس حذف می شد و یا باقی می ماند و یا فروش امتیازات اشاره کرد. با وجود این، دولت در این دوره با مشکلات مالی عدیده ای مواجه شد که عمدتاً به دلیل اسراف شاه و دربار، سفرهای شاه، سیاست های غلط شاه و دولت مردان در هزینه درآمدها و نظایر آن می شد. همین نکته باعث شد تا ایران دوره مظفرالدین شاه، یکی از ضعیف ترین دوران های مالی خود را تجربه نماید.

فهرست منابع و مآخذ

1. آبراهامیان، یراوند. (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: نشر مرکز.
2. اجلالی، فرزام. (۱۳۷۳). بنیان حکومت قاجار: نظام ایلی و دیوانسالاری مدرن، تهران: نی.
3. احتشام السلطنه، محمود علامیر. (۱۳۶۷). خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: گلشن.
4. اشرف، احمد. (۱۳۵۹). موانع تاریخ رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زمینه.
5. امین الدوله، میرزا علی خان، (۱۳۴۱). خطرات سیاسی، به کوشش، حافظ فرمانفرمایان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
6. براون، ادوارد. (۱۳۸۰). انقلاب مشروطه ایران، ترجمه مهدی قزوینی، تهران: کویر.
7. تاجبخش، احمد. (۱۳۸۲). تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران اسلامی (دوره قاجاریه)، تهران: نوید شیراز.
8. تیموری، ابراهیم. (۱۳۳۲). عصر بی خبری (تاریخ امتیازات در ایران)، تهران، اقبال.
9. جمال زاده، محمد علی. گنج شایگان، یا اوضاع اقتصادی ایران، تهران: انتشارات کتاب تهران.

۱۰. خلعت بری، (سپهسالار تنکابنی)، محمد ولیخان. (۱۳۶۲). یادداشت ها، گردآوری میرعبدالصمد خلعت بری، به اهتمام: محمد تفضلی، تهران: نوین.
۱۱. دالمانی، هانری رنه. (بی تا). سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره وش، تهران: چاپ گیلان، بی تا.
۱۲. دولت آبادی، یحیی. (۱۳۳۶). حیات یحیی، تاریخ معاصر یا حیات یحیی، تهران: ابن سینا.
۱۳. دیوان بیگی، میرزا حسین خان. (۱۳۸۲). خاطرات (از سال های ۱۲۷۵ تا ۱۳۱۷ قمری کردستان و تهران)، به کوشش: ایرج افشار و محمد رسول دریاگشت، تهران: اساطیر.
۱۴. روسانی، شاپور. (بی تا). دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه داری، بی جا: نشر شمع.
۱۵. سایکس، سرپرسی. (۱۳۲۰). تاریخ ایران، ترجمه: فخرداعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب.
۱۶. سلیم، محسن. (۱۳۸۳). تاریخ قاجار، ایران در دوره فرمانروایی دودمان قاجاریه (پادشاهان بیمار)، شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
۱۷. سپهر، عبدالحسین خان. (۱۳۶۸). مرآة الوقایع مظفری و یادداشت های ملک المورخین، با تصحیحات و توضیحات و مقدمه های: عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.
۱۸. شریف کاشانی، محمد مهدی. (۱۳۶۲). واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش: منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
۱۹. شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۹). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات زریاب.
۲۰. عضد قاجار، ابونصر. (۱۳۷۶). بازنگری در تاریخ قاجاریه و روزگاران، تهران: دنیای کتاب.
۲۱. عزیززاده بیرجندی، زهرا. (مرداد ۱۳۸۵). «پاشنه آشیل مشروطه نقش عوامل اقتصادی در آسیب پذیری نظام مشروطه»، زمانه، سال پنجم، شماره ۴۷، ص ۶۸-۷۰.
۲۲. عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران، (قاجاریه ۱۲۳۲-۱۲۱۵ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
۲۳. عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور. (۱۳۷۶). روزنامه خاطرات عین السلطنه، به اهتمام: مسعود میرزا سالور و ایرج افشار، ایرانشهر: اساطیر.
۲۴. فخرالملک، ابوالحسن خان اردلان. (۱۳۶۲). دومین سفرنامه شاه به فرنگ، تهران: کاوش.

منابع در آمد دولت قاجار در دوره مظفرالدین شاه

۲۵. فشاهی، محمد رضا. (۱۳۶۰). تکوین سرمایه داری در ایران، تهران: گوتنبرگ.
۲۶. فلور، ویلم. (۱۳۶۵). جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
۲۷. فوران، جان. (۱۳۸۰). مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب)، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۸. قدیانی، عباس. (۱۳۸۴). تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران در دوره قاجاریه، تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.
۲۹. کسروی، احمد. (۱۳۵۴). تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳۰. کرزن، جرج. ل. (۱۳۴۹). ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۱. کلنل کاساکوفسکی، و. آ. (۲۵۳۵ شاهنشاهی). خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه عباسقلی جلی، تهران: کتاب سیمرغ.
۳۲. لمبتون، ا. ک. (۱۳۷۵). ایران در عصر قاجار، ترجمه: سیمین فصیحی، تهران: انتشارات جاودان فرد.
۳۳. محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۸). تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۴. محمود، محمود. (۱۳۶۷). تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، تهران: اقبال.
۳۵. مستوفی، عبدالله. (۱۳۲۳). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: انتشارات علمی.
۳۶. مدنی، سید جلال الدین. (۱۳۶۹). تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، (از انقلاب مشروطیت تا انقراض قاجاریه)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۷. محدث، میر هاشم. (۱۳۸۰). چند امتیاز نامه عصر قاجار، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشار کتابخانه و موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳۸. ملک آرا، عباس میرزا. (۲۵۳۵ شاهنشاهی). شرح حال عباس میرزا ملک آرا، به کوشش: عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.

۳۹. مهدوی، شیرین. (۱۳۷۹). زندگی نامه حاج محمدحسین کمپانی، امین دارالضرب، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیر خانی حینک لو، تهران: نشر تاریخ ایران.
۴۰. ناظم الدوله، میرزا ملکم خان. (۱۳۸۱). رساله های میرزا ملکم خان ناظم الدوله، گردآوری و مقدمه: محبت الله اصیل، تهران: نی.
۴۱. ناظم الاسلام کرمانی، میرزا محمد. (۱۳۵۷). تاریخ بیداری ایرانیان، مصحح، علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، با همکاری انتشارات آگاه، انتشارات لوح و چاپخانه نوبهار.
۴۲. نظام مافی، معصومه و دیگران. (۱۳۶۱). خاطرات و اسناد حسین تقی خان نظام السلطنه مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۴۳. نقیب زاده، احمد. (۱۳۷۹). دولت رضاشاه و نظام ایلی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۴. نوذری، عزت الله. (۱۳۸۰). تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت، تهران: انتشارات خجسته.
۴۵. واستن، گرانت. (۱۳۶۸). تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸، ترجمه: وحید مازندرانی، تهران: سخن.
۴۶. وقایع اتفاقیه، (۱۳۶۲). مجموعه گزارش های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ق، به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران: نوین.
۴۷. ویلز، چارلز جیمز. (۱۳۶۸). سفرنامه دکتر ویلز (ایران در یک قرن پیش)، ترجمه غلامحسین فراگوزلو، تهران: اقبال.
۴۸. هاردینگ، سرآرتور. (۱۳۶۳). خاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ وزیر مختار بریتانیا در دربار ایران در عهد سلطنت مظفرالدین شاه، ترجمه: جواد شیخ الاسلامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۹. هدایت، مخبرالسلطنه مهدی قلی. (۱۳۶۳). گزارش ایران، (بخش گزارش دوره قاجار و مشروطیت از جلد سوم و چهارم)، به اهتمام: محمد علی صوتی، تهران: نشر نقره.
۵۰. یکتایی، مجید. (بی تا). تاریخ گمرک ایران، تهران: انتشارات دانش تهران.

Qajar government income sources in Mozafar al – dine shah period

Dr. akbari

Assistant Professor of History, Islamic Azad University, Bojnourd, Bojnourd, Iran

Dr. Rajabali Vosoughi Motlagh

Assistant Professor, Department of History of Bojnord University of Islamic Azad Univ. Unit, Genover, Iran

Umm al-Banin Rahimi

Ph.D. Student, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

Abstract

The proposal to change the system of Royal Rule to the Republic in 1302, which was suggested from British, was proposed by Sardar Sepah and his supporters to compensate for the benefits of the canceled agreement of 1919, despite all the cost and effort did not succeed. Mirzadeh Eshghi's reflected opinion, Malek al-Sho'ara Bahar, Seyyed Ashrafidin Gilani and Aref Ghazvini about this subject are a view of the thoughts of open-minded people and the public. By analyzing the poems of these four, Eshghi and Bahar were strongly opposed to the Republic, and Seyyed Ashrafodin Gilani accompanied them with a humorous sound, but Aref recognized the occurrence of this idea beneficial for the country and advertised it. The accuracy of the way the republic reflect on the poems of these poets, in addition to the historical and logical overview, helps us to better understanding the reasons, the causes of the plan, the many actions to make it successful, and the reasons for the failure of republicanism. In this article, by analytic-descriptive method, the poems of these four poets concerning Reza Khan Republic are carefully considered, and also comparing them with each other, as well as with related historical sources, the reasons for their opposition or agreement are expressed. It also has been shown that the great political events if does not take their proper time, do not be succeed and the mention of the influential components on an important historical event without reference to the simultaneous literary works can't be fully valid. These poems are considered as historical documentary poetry, whose historical value is very much debatable.

Key words: Reza khan republic, Constitutional poets, Reflection Constitution